

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر میزان احساس

امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهرستان دامغان)

محدثه مایانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

چکیده:

در این پژوهش، نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انزوای اجتماعی) مؤثر در احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهرستان دامغان مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه به دنبال تبیین نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان است. روش تحقیق کمی و از نوع پیمایش است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در شهرستان دامغان می‌باشد. حجم نمونه این تحقیق تعداد ۲۰۰ نفر برآورد و از رایانه و نرم‌افزارهای SPSS برای آزمون فرضیه‌ها، نرم‌افزار AMOS برای مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار WORD برای تایپ گزارش نهایی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش رابطه معناداری را بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی نشان می‌دهد. بدین صورت که بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و با افزایش میزان مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی، میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان هم افزایش پیدا می‌کند. اما در مورد رابطه متغیر انزوای اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی یافته‌ها حاکی از معکوس بودن رابطه است. بدین صورت که با افزایش میزان انزوای اجتماعی، میزان احساس امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد و با کاهش میزان انزوای اجتماعی، امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد. در نهایت تغییرات متغیر وابسته ما به میزان ۳۶ درصد توسط متغیرهای مستقل مورد تبیین و پیش‌بینی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: امنیت، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انزوای اجتماعی، دامغان

مقدمه و بیان مسئله

بی‌تردید یکی از نیازهای اساسی و حیاتی انسان امنیت است. امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است که کشورها اولویت اول خود را به برقراری آن در جامعه اختصاص می‌دهند. امنیت دارای دو بعد اصلی است: احساس امنیت و امنیت واقعی. این دو بعد علی‌رغم ارتباط بسیار نزدیک با یکدیگر ضرورتاً یکی نیستند. امنیت واقعی یکسری محاسبات ریاضی است، بر مبنای احتمال خطرات مختلف و مؤثر بودن اقدامات پیشگیرانه امنیتی با انجام این محاسبات می‌توان گفت که تا چه حد منزل افراد در یک محله از سرقت در امان است یا احتمال قتل یک فرد در خیابان چقدر است. انجام این کار مشکل نیست. این همان کاری است که بسیاری از شرکت‌های بیمه دائم در حال انجام آن هستند؛ اما امنیت بعد دیگری نیز دارد که نه بر مبنای احتمالات و محاسبات ریاضی بلکه بر واکنش‌های روان‌شناختی فرد به تهدیدات استوار است. این بعد که از آن با عنوان احساس امنیت یاد می‌شود اغلب مقوله‌ای ذهنی بوده و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. از این‌رو در امنیتی یکسان، افراد مختلف ممکن است احساسات امنیتی متفاوت داشته باشند (اشنایدر به نقل از حسنونند: ۲۹، ۱۳۹۰). احساس امنیت حالتی است که آحاد جامعه هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به‌هیچ‌وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد. امنیت مفهومی عینی و بیرونی و احساس امنیت، مفهومی درونی و ذهنی می‌باشد. به عقیده بسیاری از کارشناسان وجود احساس امنیت در یک جامعه مهم‌تر از وجود امنیت (عینی) است. (موحد؛ همت، ۱۳۹۲: ۵۵) داشتن احساس امنیت، نخستین شرط لازم برای پیشرفت و رسیدن به توسعه پایدار برای جامعه متمدن محسوب می‌شود. (هاشمیان فر و همکاران، ۱۳۹۲) اگر نگاهی به کشورهای دنیا بی‌افکنیم، متوجه خواهیم شد که آن‌ها به مقوله امنیت توجه زیادی نشان می‌دهند چراکه این امر پیش‌نیاز هرگونه توسعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... می‌باشد. بدون وجود امنیت دستیابی به توسعه و پیشرفت در برنامه‌ریزی پیش نخواهد آمد. (حسونند، ۱۳۹۱) انسان برای تسلط بر طبیعت، فرار از ناامنی و تهدید، تأمین نیازهای اساسی خود و در یک کلمه برای دستیابی به امنیت و احساس ایمنی، زندگی اجتماعی را برگزید. وانگهی به‌موازات گسترش اجتماعات و پیچیده‌تر شدن روابط و تعاملات اجتماعی، وارد روابط گوناگونی شد که عرصه‌های زندگی را تحت عناوین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و ... از هم متمایز کرده و امنیت او را تحت‌الشعاع قرارداد. بدین ترتیب بشر با تجمع و تشکیل جامعه، بستری نو برای تهدید امنیت خود فراهم آورد که از زندگی جمعی او ناشی می‌شد. او که برای فرار از ناامنی و احساس امنیت، جامعه را تشکیل داده بود، به‌زودی دریافت که بار امنیتی‌ش نه‌تنها از سوی طبیعت و عوامل طبیعی، بلکه

از سوی انسان‌ها و عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز تهدید می‌شود. از این رو دغدغه همیشگی او جهت دستیابی به احساس امنیت در مقوله جدید تحت عنوان "احساس امنیت اجتماعی" ظهور کرد. (بحری پور، ۱۳۹۱) امنیت از نیازها و ضرورت‌های پایدار فرد و جامعه تلقی می‌شود که فقدان یا اختلال در آن پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد، به طوری که انسان مدنی برای زندگی در جمع و دستیابی به مراتب بالای رشد نیازمند امنیت و آرامش خاطر است که با رشد و نمو جرائم و انحرافات اجتماعی زمینه‌های ناامنی و شکل‌گیری کج روی در سطح جامعه بیشترین دلهره را ایجاد می‌کند. (بحری پور، ۱۳۹۱: ۲) تحقق احساس امنیت، باعث ایجاد احساس جسارت و اعتماد به نفس بالا در افراد خواهد شد و می‌تواند بسترساز موفقیت آن‌ها در جامعه باشد. به همین شکل احساس ناامنی باعث به وجود آمدن تنش، اضطراب، بی‌قراری، ترس‌های مبهم از مصیبت‌های قریب‌الوقوع و حتی بیماری‌های روانی می‌شود. (حسنوند و همکاران، ۱۳۹۲)

مطابق آمارهای مرکز افکار سنجی ناجا که تقریباً هر ساله اقدام به بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان در سراسر کشور و مقایسه استانی میانگین احساس امنیت می‌کند، میانگین میزان احساس امنیت استان سمنان در سال ۱۳۹۱، ۴۵/۵ بوده و میانگین احساس امنیت در کل کشور در همان سال، ۴۵/۸ بوده که بر اساس رتبه‌بندی استان‌ها، استان سمنان در رتبه شانزدهم کشوری قرار گرفته است. این در حالی است که در سال ۱۳۸۷، رتبه نخست احساس امنیت، از این استان بوده است (تقوی، ۱۳۹۴: ۲) با توجه به آمارهای موجود می‌توان این نکته را مورد بررسی و ارزیابی قرارداد که بر چه اساس طی ۴ سال میزان احساس امنیت شهروندان استان سمنان کاهش یافته است. شهرستان دامغان به عنوان یکی از شهرستان‌های استان سمنان که دارای فرهنگ و تمدنی کهن می‌باشد و مطابق آمار تا سال ۱۳۸۷، از بین ۸ شهرستان، رتبه سوم را در استان از نظر احساس امنیت اجتماعی داشته حال باید بر اساس تأثیرگذاری کدام‌یک از عوامل اجتماعی و فرهنگی میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان کاهش یافته باشد و در سال ۹۱ به رتبه ششم استان برسد. اگر در یک جامعه احساس امنیت اجتماعی یعنی همان بعد ذهنی امنیت در بین شهروندان کاهش پیدا کند، مسائل و معضلات بسیاری به بار خواهد آورد؛ از آن جمله می‌توان به ایجاد احساس ترس و هراس در بین مردم، کاهش اعتماد مردم به پلیس، پس‌روی جامعه از لحاظ فعالیت‌های مدنی و اجتماعی، بسته شدن فضا و عدم رشد و شکوفایی استعدادها و خلاقیت افراد، کاهش سطح شاخص‌های رفاه اجتماعی و

با در نظر گرفتن آنچه گفته شد، پرداختن به موضوع احساس امنیت و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن یکی از دلواپسی‌های اساسی هر کشوری است. در ایران همانند بسیاری از کشورهای دیگر برقراری امنیت اجتماعی از وظایف نیروی انتظامی قلمداد شده است. لذا نیروی انتظامی موظف است هر ساله به بررسی احساس امنیت اجتماعی در جامعه بپردازد و در این پژوهش محقق به دنبال یافتن میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و همچنین انزوای اجتماعی به‌عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان است.

اهمیت و ضرورت

حساسیت‌های مربوط به مفهوم امنیت حجم قابل توجهی از پژوهش‌ها و تحقیقات مختلف را به خود اختصاص داده است. بررسی مؤلفه‌ها و ملاحظات امنیتی یکی از سیاست‌ها و برنامه‌های حیاتی هر کشور محسوب می‌گردد. از این رو اهمیت مفهوم امنیت و درک صحیح آن به‌منظور تدوین سیاست‌های امنیتی، می‌تواند در ثبات یک جامعه و تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک جامعه تأثیر مطلوبی بگذارد. در واقع، امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و هر کشوری اولویت اول ساختار حکومتی خود را به برقراری امنیت خود اختصاص می‌دهد. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۷)

پلیس برای ایفای نقش حساس خود در مدیریت امنیت عمومی نیاز به برنامه‌ریزی جامع و همه‌جانبه و راهبردهای کلان در قلمرو امنیت عمومی دارد. از همین رو نیروی انتظامی با اتخاذ رهیافتی علمی و نظام‌مند و با اعتقاد به لزوم هماهنگی تمام دستگاه‌های دخیل در حوزه امنیت عمومی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تولید و حفظ امنیت نقش دارند و بر اساس اصولی نظیر جامعه‌محوری، تقدم پیشگیری از وقوع جرائم، تمرکز عمده بر حقوق شهروندی، بسترهای اجتماعی امنیت و ایجاد ظرفیت‌های مشارکت‌پذیری در سیستم امنیت عمومی و ... در سال‌های اخیر طرح راهبردهای کلان مدیریت امنیت عمومی را تدوین و پیشنهاد کرده است (قالیباف، ۱۳۸۴: ۲۰). بر این اساس می‌توان اظهار کرد که دولت و نهادهای دولتی، به‌ویژه پلیس (نیروی انتظامی) نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در امنیت و احساس امنیت یک جامعه دارند و در پژوهش‌های اجتماعی باید این امر در مرکز توجه پژوهشگران و متولیان امر قرار گیرد. (شاردی، ۱۳۹۳)

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی است. همچنان که مازلو در تقسیم‌بندی خود از نیازها، نیاز به امنیت را بلافاصله پس از نیازهای فیزیولوژیک قرار داده است. لذا هر جامعه برای دستیابی به پیشرفت و توسعه ملزم است، تمامی متغیرهای تأثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد تا بدین‌وسیله امکان ارتقای علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... شهروندان خود را فراهم

کند.

جامعه‌شناسی به‌عنوان علمی که وظیفه بررسی مسائل اجتماعی را بر عهده دارد، ملزم است با توجه به پایین آمدن میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان در سال‌های اخیر به بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان امنیت اجتماعی بپردازد و بدین‌صورت راهکارهایی کاربردی، جهت افزایش احساس امنیت شهروندان ارائه دهد. لذا این پژوهش درصدد است که با دیدی اجتماعی نگاه کرده و به بررسی میزان تأثیرگذاری هرکدام از متغیرهای مستقل بر احساس امنیت اجتماعی بپردازد.

اهداف تحقیق

هدف کلی این پژوهش پیمایش و آزمون نظریه است که به بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت شهروندان استان سمنان می‌پردازد و به‌منظور دستیابی به این هدف کلی، باید آن را به اهداف جزئی‌تری تقسیم نمود که به‌واسطه این اهداف جزئی بتوان به هدف کلی دست‌یافت؛ بنابراین محقق به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، عزت‌نفس، امید به آینده، رضایت از زندگی، مشارکت اجتماعی، نگرش به عملکرد پلیس، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، نشاط اجتماعی و انزوای اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی در مورد شهروندان استان سمنان می‌پردازد.

هدف کلی:

بررسی رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهرستان دامغان

اهداف جزئی:

- بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهرستان دامغان
- بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهرستان دامغان
- بررسی رابطه بین انزوای اجتماعی با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهرستان دامغان

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی

- ایزی و آگاهی (۱۳۹۵) در مقاله خود تحت عنوان " رابطه امنیت اجتماعی و میزان نشاط اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان بجنورد" که با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و حجم نمونه ۳۸۴ نفر افراد بالای ۱۵ سال به بررسی دو مؤلفه امنیت و اعتماد اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل و نشاط اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته پرداخته است. ایشان به این نتیجه دست‌یافت‌اند که، بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و از آنجایی که ضریب همبستگی مثبت است، به این معنا که هرچه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، نشاط اجتماعی افراد هم بیشتر می‌شود.
- پریناز بیدل (۱۳۹۵) در مقاله خود تحت عنوان " رابطه اعتماد اجتماعی با احساس امنیت و امنیت اجتماعی " با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۷۰ نفر، به این نتیجه دست‌یافت که؛ میانگین اعتماد اجتماعی، احساس امنیت و حفظ امنیت اجتماعی به ترتیب ۲-۲/۱ و ۲/۷ از ۵ است. بین متغیر اعتماد اجتماعی و احساس امنیت و بین اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود داشته است. بر اساس آزمون رگرسیون، حدود ۶۲ درصد از تغییرات مربوط به امنیت اجتماعی با متغیر احساس امنیت جمعی، سن، احساس امنیت جانی، اعتماد برون‌گروهی و تأهل قابل تبیین بوده است. با افزایش اعتماد اجتماعی، احساس امنیت افزایش یافته و در نتیجه میزان تلاش افراد برای حفظ امنیت اجتماعی بیشتر می‌شود.
- غفاری و شیرعلی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی وضعیت نشاط اجتماعی در بین شهروندان و رابطه آن با احساس امنیت اجتماعی» در شهر تهران و با استفاده از روش کمی، تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده کرده است. جامعه آماری افراد ۱۸ تا ۲۹ سال هستند و حجم نمونه برابر با ۳۷۰ نفر است. نتایج حاصل از توزیع پاسخ‌ها در سنجش شاخص «میزان نشاط اجتماعی» در بین افراد نمونه نشان می‌دهد که ۲۰۲ درصد از افراد پاسخگو در حد بسیار کم، ۶۰۸ درصد در حد کم، ۳۶ درصد در حد متوسط، ۴۲ درصد در حد زیاد و ۱۱ درصد در حد بسیار زیاد احساس نشاط و شادمانی دارند. عوامل تبیین‌کننده احساس امنیت اجتماعی در مدل رگرسیونی نشان می‌دهد متغیر «انزوای اجتماعی» بالاترین همبستگی را با متغیر احساس امنیت اجتماعی دارد و بعد به ترتیب متغیرهای امید به آینده، نشاط اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و در آخر رضایت از زندگی قرار دارد.

- اژگان (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان " رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در مناطق مرزی هنگ نهبندان " به روش توصیفی - پیمایشی به این نتیجه دست یافت که بین شاخص اعتماد بین شخصی و امنیت ارتباط مستقیم و معنی داری برقرار است و اعتماد تعمیم یافته و نهادی با امنیت ارتباطی ندارند. همچنین اعتماد اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی در مرزها در سطح بالایی برخوردار است.
- سیفالدینی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان " سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان کوهدشت)" با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و با حجم نمونه ۴۰۰ نفر به این نتیجه دست یافتند که؛ همبستگی معنی داری بین متغیرهای اعتماد عمومی، اعتماد رسمی و مشارکت عمومی با متغیرهای احساس امنیت می باشد ولی از لحاظ مشارکت رسمی همبستگی معنی داری با احساس امنیت مشاهده نمی شود.
- خالد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان " بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان کاشان)" با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه در بین افراد ۱۸ سال و بالاتر شهر کاشان، حجم نمونه ۳۶۲ را انتخاب کردند و مهم ترین نتایج حاصل از کارشان شامل؛ بررسی رابطه بین مؤلفه های سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی است که نشان می دهد: بین سه بعد از چهار بعد اندازه گیری شده از سرمایه اجتماعی؛ یعنی اعتماد اجتماعی، شبکه مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد. ضمن اینکه بین متغیرهای جنس، سن، وضعیت تأهل، شغل، مقطع تحصیلی و میزان هزینه های خانواده با احساس امنیت اجتماعی هیچ گونه رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین نتایج نشان می دهد که متغیرهای مستقل آگاهی، اعتماد و مشارکت اجتماعی دارای اثرگذاری مثبت و متغیرهای سن و هنجار عمل متقابل دارای اثرگذاری منفی بر روی متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی هستند.
- بحری پور و رستگار (۱۳۹۲) مقاله خود تحت عنوان " بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی " تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه، در بین ساکنین ۱۸ سال و بالاتر شهرستان کاشان، در سال ۱۳۹۱ به انجام رسیده است. در این تحقیق از شیوه نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای استفاده شده و حجم نمونه مورد مطالعه ۳۶۲ نفر می باشد. مهم ترین نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیرهای تحقیق نشان داد که؛ اعتماد اجتماعی شهروندان بر انواع احساس امنیت اجتماعی آن ها تأثیر گذار است، بدین صورت که هرچه حجم و میزان اعتماد اجتماعی در جامعه بیشتر باشد به همان میزان انواع احساس امنیت اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. نتایج

حاصل از تجزیه و تحلیل چند متغیره نیز بیانگر این موضوع است که متغیرهای مستقل تحقیق توانسته‌اند ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی احساس امنیت اجتماعی را تبیین کنند.

پیشینه خارجی

- بر اساس تحقیقی که اکارت و کراین (۲۰۰۶) با عنوان «زیست پذیری، ناامنی، سرمایه اجتماعی و اعتماد در حکومت محلی» در هسلت یکی از شهرهای اصلی بلژیک انجام دادند یکی از ویژگی‌های خاص هسلت مدیریت ابتکاری آن با برنامه‌هایی برای ارتقا و انباشت سرمایه اجتماعی در محله‌های شهری مختلف و نیز برنامه‌هایی برای افزایش مسئولیت مدیران از طریق تقاضای سکنه است. ن‌ها در این پژوهش دریافتند که «رابطه قوی بین احساس امنیت و سرمایه اجتماعی در بین ساکنان هسلت وجود دارد. بر اساس این تحقیق افرادی که بیشتر در جلسات همسایه‌ای شرکت می‌کردند از احساس امنیت بالاتری برخوردار بودند. منطقه محل سکونت افراد، بسیار بر احساس امنیت ایشان تأثیرگذار بوده است و به عبارتی ویژگی‌های منطقه در خصوص عواملی چون صدای ترافیک و خشونت خیابانی بر احساس امنیت سکنه تأثیرگذار است. به علاوه سطح سوار توجه افراد به اتفاقات خیابانی نیز اتفاقات سیاسی بیشتر می‌شود و به نظر می‌رسد احساس امنیت به موازات آن کاهش می‌یابد. (نیازی؛ بحری، ۱۳۹۳)

- لایندستروم و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی در محله اقدام کردند. جمعیت آماری تحقیق را افراد ۲۰ تا ۸۰ سال شهر مالمو سوئد تشکیل داده و حجم نمونه در آن ۵۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد. میزان مشارکت در این پیمایش ۷۱ درصد (به عبارتی ۷۱ درصد از افراد، پرسشنامه را پاسخ داده و برنگرداندند). در این مطالعه، سرمایه اجتماعی با توجه به عوامل فردی و محله‌ای سنجیده شده و منظور از عوامل محلی، شرکت در انتخابات شهری بوده است. نتایج نشان داد که عوامل محله‌ای ۷/۲ درصد از کل واریانس احساس ناامنی افراد را تبیین می‌کند. این تأثیر با وارد کردن عوامل فردی در مدل، کاهش یافته و به ۰.۷ درصد می‌رسد. در نهایت با حذف عوامل فردی سرمایه اجتماعی با توجه به مشارکت در انتخابات سنجیده شده و توانست تا حد زیادی ۷/۲ احساس ناامنی را تبیین نماید... (نیازی؛ بحری، ۱۳۹۳)

مبانی نظری پژوهش

مفهوم امنیت

امنیت در لغت از ریشه «امن» به معنای در امان بودن و مصون از هرگونه تعرض و در آرامش بودن است (فرهنگ معین چاپ ۶۳ ص ۳۵۲) و در فرهنگ المنجد اطمینان و آرامش خاطر معنا شده است (فرهنگ المنجد ۱۳۷۳ ص ۱۸).

امنیت یکی از نیازهای اولیه هر جامعه بشری است، در واقع اهمیت و اهتمام این مسئله اجتماعی مستقیماً با نظام ارزشی و کمال مطلوب مردم جامعه و حتی جامعه جهانی پیوند مستقیم خورده است. فقدان این مسئله در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی باعث تهدید ارزش‌های ذاتی چون معرفت، تعهد و فضیلت انسانی خواهد شد.

ابهامی که در مورد مفهوم امنیت وجود دارد این است که عده‌ای آن را فقط به معنای جلوگیری از جرم و جنایت می‌دانند که بیشتر یک حالت عینی دارد وعده‌ای هم آن را به احساس برون از حیطه خطر بودن تعبیر می‌کنند و یا به‌عنوان احساس رضایت از نیازهای اولیه و پایه‌ای (مانند غذا و سرپناه) تلقی می‌کنند، اما امنیت یک بعد مهم هم دارد، این بعد از اشخاص و تجارب جمعی تأثیر می‌گیرد که بر احساس امنیت از اجتماع تأثیر می‌گذارد. این مسئله به‌خصوص هنگامی روشن می‌شود که «در بسیاری از جوامع احساس امنیت در سطح پایین قرار دارد، درحالی‌که مسائل امنیتی مثل جرم و جنایت‌ها، تصادفات و تهاجم‌ها، در حد متوسط است» (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸: ۲۸۲).

بحث درباره امنیت اجتماعی و احساس ناشی از آن از پیشینه بسیار طولانی برخوردار است. گرچه طرح این مباحث در میان اندیشمندان باستان چندان تخصصی و محدود به زمینه‌های خاص نبوده است، اما بدون تردید آغاز بحث در رابطه با امنیت اجتماعی را می‌توان در مباحث افلاطون، ارسطو و بعدتر در اندیشه‌های هابز و ژان ژاک روسو و بالاخره سیر تاریخی آن را می‌توان از زمان شکل‌گیری گفتمان‌های امنیت ملی و ظهور نظریه‌پردازان رهیافت «رتالیسم سنتی» دنبال نمود (نویدنی، ۱۳۸۲: ۱۴).

در این زمینه می‌توان به نظریه‌های زیر در رابطه با احساس امنیت اشاره کرد.

الف) باری بوزان برای نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کاربرد (روی، روی، ۱۹۹۶: ۳). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا

می‌کند که هویت او را شکل می‌دهد (بوزان؛ ویو، ۵-۱۹۹۸: ۴). در آراء بوزان حوزه‌ای از حیات که فرد خود را به واسطه فهم «ما» بدان متعلق می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند مورد نظر است. بنابراین هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌گردد (بوزان، ۲۰۰۰: ۳). بوزان، نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌دارد که مسئله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به‌عنوان تهدید نگاه می‌کنند. به این ترتیب، نگاه تاریخی به پدیده‌های اجتماعی و تأکید بر نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز در این دیدگاه مطرح می‌شود، چراکه آن‌ها معتقدند که امنیت همیشه بر پایه ارجاع عینی نیست و ارتباط انسانی و نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز در این دیدگاه مطرح می‌شود، چراکه آن‌ها معتقدند که امنیت همیشه بر پایه ارجاع عینی نیست و ارتباط انسانی و نقش هنجارها مهم و تأثیرگذار است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۶۴۶).

ب) الیور در کتاب «هویت، مهاجرت و منشور جدید امنیت در اروپا» (۱۹۹۳) دست به مفهوم‌سازی مجدد از رهیافت پنج بعدی بوزان درباره امنیت زد (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). ویور «امنیت ساخته و پرداخته شده در اجتماع» را مطرح می‌کند. مدعای وی آن است که باید از رویکردی جامعه‌شناسانه به امنیت نگریسته شود و پس از تحلیل مبانی جامعه‌شناختی امنیت، به تعریف آن همت گمارد (مک کین لای؛ لیتل، ۱۳۸۰: ۴۸). بر این اساس و در حوزه امنیت را برحسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظرمی‌گرد (روی، ۱۹۹۶: ۱۱) و خاطر نشان می‌کند که افراد جامعه نمی‌توانند نسبت به چیزهایی که امنیت و هویتشان را تهدید می‌کند احساس امنیت نداشته و آن‌ها را تنها به دولت واگذار نمایند (موتیمر، به نقل از نویدنیا، ۱۳۸۳: ۶۲). بدین ترتیب ویور نیز مانند بوزان بر لزوم مشارکت افراد در تأمین امنیت اجتماعی خود و جامعه صحنه گذارد.

ج) میران میتار برای ارزیابی امنیت اجتماعی از مدل سیستماتیک استفاده می‌کند و در این کار بر نظریه آنارشی اجتماعی بیلی تکیه می‌کند. وی تلاش می‌کند مسائل جامعه را بر اساس سطوح متفاوت (فرد، گروه، سازمان، اجتماع/جامعه، سیستم فراملی) تحلیل کند و از آنارشی هرج و مرج به جای تعادل به‌عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری حالات نظام استفاده کند (میتار، ۱۹۹۶: ۹۷).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اشاره کرد که امنیت اجتماعی در پی تأمین امنیت برای گروه‌های اجتماعی است که نقش هویت‌سازی را برای اعضای خویش ایفا می‌کنند. مرجع امنیت اجتماعی، گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی است که به لحاظ داشتن احساس اندیشه و عمل مشترک میان اعضایشان کلیت منحصربه‌فردی را تشکیل داده و به دلیل برخورداری از کلیتی یکپارچه عنوان «ما» را به خود منتسب می‌دانند.

تعریف بوزان از امنیت اجتماعی هم در این تحقیق و هم به‌عنوان یک مرجع برای انجام تحقیقات در زمینه

امنیت اجتماعی می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران قرار بگیرد. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به‌بیان‌دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشند (بوزان؛ ویور، ۱۹۹۸: ۵-۴). در آراء بوزان حوزه‌ای از حیات که فرد خود را به‌واسطه مفهوم «ما» خود را بدان متعلق می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند مورد نظر است. بنابراین هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضاء یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌گردد (بوزان ۲۰۰۰: ۳).

اهمیت بحث امنیت در دیدگاه بوزان از آنجا ناشی می‌شود که بوزان امنیت را در قالب پنج بعد معرفی کرده است و زوایای مختلف امنیت را با یک نگاه وسیع‌تری در مفهوم‌پردازی آن‌ها مورد بررسی قرار داده‌است. در بیان برجستگی‌های نظریه بوزان در زمینه امنیت اجتماعی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که بوزان و هم‌چنین ویور امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی مدنظر قرار می‌دهند و اظهار می‌دارند که تهدیدهای امنیتی در دامنه‌ای وجود دارند که به‌طور ذهنی نیز قابل تجربه هستند (بوزان؛ ویور؛ دووولد^۱، ۱۹۹۸: ۱). بوزان، نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌دارد که مسئله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به‌عنوان تهدید نگاه کنند. به‌این‌ترتیب نگاه تاریخی به پدیده‌های اجتماعی و تأکید بر نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز در این دیدگاه مطرح می‌شود چراکه آن‌ها معتقدند که امنیت همیشه بر پایه ارجاع عینی نیست و ارتباط انسانی و نقش هنجارها در تأمین امنیت اجتماعی مهم و تأثیرگذار است.

نظریه گیدنز در مورد اعتماد اجتماعی: به‌طور کلی نظریات وی در مورد اعتماد را

می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد:

الف- اعتماد و امنیت وجودی: با توجه به آنچه اریکسون آن را اعتماد بنیادی می‌نامد، مطابقت دارد. گیدنز اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می‌داند که موجود انسانی منفرد را در نقل‌وانتقال‌ها در بحران‌ها و در حال و هوای آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می‌بخشد و به‌پیش می‌برد.

ب- اعتماد به نظام‌های انتزاعی و تخصصی: گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام کار فنی یا

^۱ - De Wilde

مهارت‌های تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد. مثل نظام پزشکی، نظام معماری و غیره. به نظر وی ما از اعتماد به نهادهای مدرن و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی که بسیاری از جنبه‌های مدرنیت جهانی شده باشند، ناگزیریم. یکی از معانی قضیه بالا این است که هیچ‌کس نیست که بتواند از نظام‌های تخصصی در نهادهای مدرن کاملاً دوری گزیند. زندگی در دوره مدرن توسط نظام‌های انتزاعی تخصصی تکه‌تکه می‌شود و یک نفر نمی‌تواند مانند گذشته همه یا بیشتر کارهای خود را مستقل انجام دهد. البته به نظر زکومتا اعتماد می‌تواند به مقولات انتزاعی دیگری مانند اعتماد به نظم، دموکراسی، علم و ... نیز تعلق پیدا کند.

ج) اعتماد در روابط خویشاوندی: در دوران پیشامدان، روابط شخصی تابع ضوابط بیرونی همچون تعهدات خویشاوندی بود، درحالی‌که در دوران مدرن روابط شخصی که بیشتر به‌صورت رابطه ناب درمی‌آید، وابسته به اعتماد متقابل است که آن را باید به وجود آورد و اعتماد طرف مقابل را جلب کرد. ارتباط ناب ارتباطی است که معیارهای بیرونی در آن تحلیل رفته باشد. ارتباط ناب تنها برای پاداشی به وجود می‌آید که از نفس ارتباط حاصل می‌گردد. در ارتباط ناب اعتماد چیز مطمئن و از پیش تعیین‌شده‌ای نیست.

د) زمینه‌های اعتماد در دوران پیشامدان و مدرن: گیدنز اعتماد را از مؤلفه‌های اصلی مدرنیت می‌داند و معتقد است که چهار زمینه محلی اعتماد یعنی خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آنکه در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است. (، در مورد نظریه مسابقه و ارتباط آن بانشاط معتقد است که هیجانان مثبت همچون نشاط منجر به مسابقه نه هیچ و نه همه می‌شود. او نظریه بسط و ساخت را با توجه به همین هیجانان مثبت ارائه نمود و بیان داشت که این عواطف نه‌تنها پیام‌آور سلامت شخصی می‌باشند بلکه باعث رشد و تکامل نیز می‌گردند. عواطف منفی بسیاری همچون اضطراب یا خشم، زمینه تفکر عمل لحظه‌ای افراد را به‌شدت محدود می‌کنند، به‌نحوی که اقدام به کارهایی می‌کنند که ثمره‌اش حمایت از خود است نه چیز دیگر. در مقابل، عواطف مثبت، شکل‌های تفکر عمل لحظه‌ای فرد را بسط و گسترش داده و موقعیت‌هایی را برای ساختن منابع پایدار شخصی از طریق ابداع مارپیچ هیجان مثبت، شناخت و عمل فراهم می‌سازند. برای مثال لذت، انگیزشی را برای بازی کردن ایجاد و مسیرهایی را در جامعه، تفکر و هنر ابداع می‌نماید، یعنی لذت از خلال بازی می‌تواند شبکه‌های حمایت اجتماعی را قوت بخشد و در سایه خلاقیت، منجر به تولید

هنری و تجارت حل مسئله همگی درآمدهای پایدار لذت می‌باشند و به دگرگون کردن فرد و رشد شخصی کمک می‌نماید. این نیز به نوبه خود ممکن است منجر به هیجانات مثبت بیشتری گردد. (ایزی؛ آگاهی، ۱۳۹۵:۹۲)

نظریه‌های مربوط به مشارکت اجتماعی: «Social participation»

دخالت کم‌وبیش آشکار در حیات اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ قبول مسئولیت‌های سیاسی، مدنی و اجتماعی می‌باشد. (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۷) از حیث مفهومی واژه مشارکت اجتماعی به معنای اشتراک و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمان جهت بحث و نتیجه‌گیری چه به صورت فعل و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵)

از منظر جامعه‌شناختی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت و وضع (امر مشارکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی آنجا شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد. (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵)

رحمان در تعریف مشارکت می‌نویسد «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک زمینه‌سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع درصدد دستیابی به هدف‌هایشان هستند. در نتیجه مشارکت یک فرایند فعال است که هر یک از مشارکت‌کنندگان به واسطه اندیشه، تأمل و نظارت فعالشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند. او در بیان مفاهیم کلیدی این تعریف به مواردی اشاره می‌کند که از آن جمله است: ۱- مشارکت فعالیت سازمان‌یافته از طرف مردم متحد و متجانس که واحد اولیه آن را متقاعدشدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد؛ ۲- مبادرت به کنش و عمل جمعی داشتن؛ ۳- تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیت داشتن؛ و ۴- نظارت بر فرایند مشارکت نمودن» (رحمان، ۱۳۹۳: ۱۵۰ به نقل از غفاری، ۱۳۸۰: ۷). برتون (۱۹۹۷) معتقد است که در میان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، دو عامل به طور خاص ارزشمند است؛ ویژگی‌های شخصی و فرصت‌های ساختاری. مقداری از مشارکت به وسیله عواملی چون سطح سواد، طبقه اجتماعی افراد، علائق مذهبی و انگیزه‌های شخصی تبیین می‌شود و فرصت مشارکت نیز، به دلیل اینکه برای افراد متعلق به گروه‌های مختلف متفاوت است، میزان مشارکت را تعیین می‌کند (برتون، ۱۹۹۷: ۶). هلی (۱۹۹۷) مشارکت اجتماعی افراد

را با چند دسته از عوامل تبیین می‌کند:

۱- عوامل مرتبط با ویژگی‌های فردی، مانند پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد در جامعه که باعث می‌شود وی هر فعالیت اجتماعی، یا به‌طور عادی هر راهبرد شخصی را که باعث پیشرفت نسبت به والدین، امید به اشتغال، آموزش و امید به آینده می‌شود مفید تلقی کند؛ ۲- سطح تحصیلات؛ ۳- گروه سنی؛ ۴- جنسیت و سوگیری جنسی، ۵- زمینه خانوادگی شامل محل اقامت، میزان مشارکت والدین، وضعیت تأهل و محیط اجتماعی شدن.

او همچنین در مورد محرک‌های اجتماعی، با عواملی چون شناخت عامه از مهاجران، تنوع فرهنگی گروه‌هایی که با جامعه آماری همکاری می‌کنند، پیکار با تبعیض، وسعت گروه‌های مرجع در ساختارهای اجتماعی، خط‌مشی‌های حمایت‌کننده و برنامه‌هایی برای فعالیت‌های قومی اشاره می‌کند. به عقیده او، به دلیل اینکه این فرصت‌ها برای وابستگی و فعالیت‌هایی مانند همیاری چندجانبه و کارهای داوطلبانه تعیین کننده است، می‌تواند خط‌مشی‌هایی را برای فعالیت‌های اجتماعی محلی و مخصوصاً افراد جوان فراهم کند. (هلی، ۶-۱۹۹۷: ۵)

اوکلی و مارسدن از شمارکت، سه تفسیر ارائه داده‌اند:

۱- شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی؛

۲- برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان آنان؛

۳- دخالت در فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرا و سهیم شدن عامه مردم در منافع طرح‌ها و ارزشیابی آن‌ها.

تفسیرهای مطرح‌شده توسط اوکلی و مارسدن را از لحاظ اهمیت دادن به مردم و احقاق حقوق آنان، می‌توان در سه سطح مشارکت پایین (تفسیر اول)؛ مشارکت متوسط (تفسیر دوم)؛ و مشارکت بالا (تفسیر سوم) دسته‌بندی کرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۵). جیمز فریزر مشارکت را با توسل به انگیزه‌های اقتصادی و مادی، عامل کنش تعریف می‌کند؛ هرچند که معتقد است فرهنگ نیز می‌تواند در آن سهمی داشته باشد. بر اساس این دیدگاه، اگر رضایت متقابل حاصل نشود، هیچ نوع مشارکتی ایجاد نخواهد شد و هر فرد برای دستیابی به سود باید بهایی بپردازد. بها را معمولاً علاوه بر پاداش‌های بالقوه،

کوششی می‌دانند که برای جلب رضایت به کار می‌رود. این نظریه بر مشارکت مبتنی بر داده نیز تأکید دارد و معتقد است که رفتارهای روزمره به صورت پاسخی به خواهش‌ها و محاسبات فرد دیده می‌شود و هر قدر فرهنگ حالت مسلط داشته باشد، بازهم فرد از نیروی انتخاب برخوردار است. (علفیان، ۹۱-۱۳۷۹:۹۰) رابرت بانام معتقد است که آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود. (جاج، ۲۰۰۳:۱۰) به باور بانام شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای محکمی از بده بستان‌های عمومیت یافته را رواج داده و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب کرده و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل کنش جمعی را ممکن می‌سازد. (پانتام، ۱۹۹۵) دانیل لرنر عواملی چون سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و همگانی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی را با مشارکت اجتماعی مرتبط می‌داند و معتقد است که این متغیرها در جامعه مدرن بیشتر نمود دارند. وی از جامعه جدید به عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد. (لرنر، ۱۹۶۴:۵۷) هانتینگتون و نلسون نیز مشارکت را در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های دولت مورد توجه قرار داده‌اند. به نظر آن‌ها دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند (هانتینگتون و نلسون، ۱۳۷۶) اینگلهارت افزایش مشارکت در جوامع پیشرفته را به سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی نسبت می‌دهد. به عقیده او این عوامل تأکید کمتری بر نیازهای آنی داشته و بیشتر بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزند. (اینگلهارت، ۱۳۷۳:۳۷۸) اینگلهارت علاوه بر موارد یادشده، رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت است، زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شوند که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و نتیجه‌گیری است. با توجه به مباحث مطرح شده باید اشاره کرد که؛ مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایندی تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف‌های معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند، فرایندی که افراد جامعه به صورت جمعی، آگاهانه، داوطلبانه و با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آن‌ها در منافع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند و نمود عینی آن را در نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌ها غیردولتی و نظایر آن می‌توان دید (غفاری، ۱۳۸۳:۷۰). (به نقل از نیازی بحری پور، ۱۳۹۳)

نظریه‌های مربوط به انزوای اجتماعی:

پیوستگی و ارتباط از عناصر حیاتی و مایه قوام هر جامعه هستند و ایجاد اختلال در ارتباطات و پیوندهای اجتماعی در سطوح گوناگون به معنای انزوای اجتماعی است. انزوای اجتماعی از حیث مفهومی در تقابل با مفاهیمی چون درگیری اجتماعی، انسجام و سرمایه اجتماعی بوده و با از خودبیگانگی و احساس تنهایی و کناره‌گیری اجتماعی، نزدیکی مفهومی دارد. بدین سبب محسنی و همکارانش انزوای اجتماعی را در تقابل با مفهوم درگیری اجتماعی تحلیل می‌کنند: درگیری اجتماعی ناظر بر روابط خانوادگی، همسایگی و دوستی فرد با اطرافیان است و شامل اندازه حلقه‌های محلی شبکه‌های اجتماعی فرد و اندازه شبکه‌های اجتماعی از راه دور فرد نیز می‌شود. برای او در مواقع نیاز حمایت اجتماعی فراهم می‌کنند. سایر اندیشمندان انزوای اجتماعی را از جنبه‌های متفاوتی مورد مطالعه قرار می‌دهند: "لوچر و همکارانش (۲۰۰۵)، انزوای اجتماعی را جدایی فیزیکی و اجتماعی افراد از یکدیگر تعریف می‌کنند، کوهن (۲۰۰۴) انزوای اجتماعی را عادل بیگانگی فرهنگی دانسته و کریستینا و همکارانش (۲۰۰۹) نیز بر این باورند که انزوای اجتماعی در دو مفهوم مجزا بیان می‌شود: اول در معنای جدایی افراد و گروه‌های اجتماعی اولیه مانند خانواده، دوستان و همسایگان" اطلاق می‌گردد. مراد از انزوای اجتماعی وضعیتی است که روابط و پیوندهای عینی فرد با دیگر افراد جامعه، گروه‌ها و اجتماعات منفصل می‌شود و عضویت و مشارکت فرد در انجمن‌های داوطلبانه، علمی، فرهنگی، مذهبی و... تضعیف و یا قطع می‌گردد و فرد به لحاظ توسعه و بسط روابط محلی و فرامحلی، با نواقص عینی قابل‌توجهی مواجه می‌شود. (کلانتری، ۱۳۹۵).

همچنین زیمل به بررسی تجربه زندگی شهری پرداخته است. او معتقد بود که دو ویژگی مهم در حیات شهری بر رفتار و تفکر مردم اثر می‌گذارد (۱) شدت محرک‌های مربوط به اعصاب یا تهییج در شهر و (۲) حاکمیت آثار بازار در روابط شهری. (شارع پور، ۱۳۹۳)

به اعتقاد زیمل ویژگی خاص شهر مدرن این است که، در آن محرک‌های عصبی تشدید می‌شوند و ساکنان شهر باید بتوانند بر آن غالب شوند. برخلاف روستا که زندگی در آن کاملاً آرام و کند است، شهر دائماً فرد را با انواع صداها، تصاویر و بوهای مختلف احاطه می‌کند تا فرد بتواند در مقابل آن‌ها مقاومت کند و درهم‌شکسته نشود. فرد باید یاد بگیرد که بین محرک‌ها تفاوت قائل شود؛ یعنی به محرک‌های مهم توجه کند و نسبت به محرک‌های غیر مهم بی‌توجه باشد. مردم شهر در مقایسه با

مردم روستا پیچیده‌تر و عقلانی‌تر و محاسبه‌گراتر هستند. علاوه بر آن زیمل در نظریه‌پردازی‌های خود به نقش فضا اهمیت زیادی داده است. زیمل در مقاله معروف خود به شناسایی آثار زندگی در شهر بر نحوه تفکر انسان‌ها پرداخته است. به نظر او در شهر نوعی نگرش دل‌زدگی پدیدار می‌شود که ناشی از محاسبه زمان و رشد اقتصاد پولی هست. وجود تقسیم‌کار تخصصی‌شده در شهرها، انسان‌ها را وامی‌دارد تا نقش‌های مختلفی را ایفا کنند. از نظر او در شهر هم تنهایی هست و هم آزادی. از نظر او شرایط روانی خاصی در شهرها حاکم هستند. از جمله: تصاویری که به سرعت تغییر می‌کنند و انقطاع در روابط اجتماعی. ساکنان شهر باید بتوانند از دل‌مشغولی‌های عاطفی به تمام آنچه در اطرافشان روی می‌دهد، اجتناب کنند. درست برخلاف کسانی که در شهرهای کوچک زندگی می‌کنند و با یکدیگر روابط عمیق عاطفی دارند، ساکنان کلان‌شهر باید از یکدیگر جدا زندگی کنند. به تعبیر زیمل ساکن کلان‌شهر به جای قلب خویش با سر خویش، نسبت به مسائل و رویدادها واکنش نشان می‌دهد. او بین روابط عاطفی و روابط عقلانی تفاوت قائل است؛ روابط عاطفی مبتنی بر فردیت است، ولی در روابط عقلانی آدمی شبیه به یک شماره است. در محیط کلان‌شهرها، ذهن مدرن که دقیق و وقت‌شناس است، محاسبه‌گر نیز می‌شود. با توجه به اعتقاد زیمل که ساکنان کلان‌شهرها از خودبیگانانند انتظار می‌رود که او از شرایط زندگی کلان‌شهری مأیوس و ناامید باشد، ولی چنین نیست. زیمل معتقد بود که در شهرهای کوچک، حلقه‌های اجتماعی کوچک و به هم گره‌خورده‌ای است که همین باعث می‌شود استقلال و فردگرایی اندکی وجود داشته باشد؛ ولی در کلان‌شهرها، تقسیم‌کار فرصتی برای بروز تفاوت‌های فراوان بین افراد پدید می‌آورد. به اعتقاد او هرچه حجم یک گروه بیشتر می‌شود، آزادی فردی در آن بیشتر می‌شود و انتقال از گمن شافت به گزل شافت نوعی نیل به آزادی است. (شارع پور، ۱۳۹۳)

چارچوب نظری پژوهش:

مشارکت اجتماعی:

رابرت بانتام معتقد است که آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود. (جاج، ۲۰۰۳: ۱) به باور بانتام شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای محکمی از بده بستان‌های عمومیت‌یافته را رواج داده و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب کرده و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل

کنش جمعی را ممکن می‌سازد. (پاننام، ۱۹۹۵)

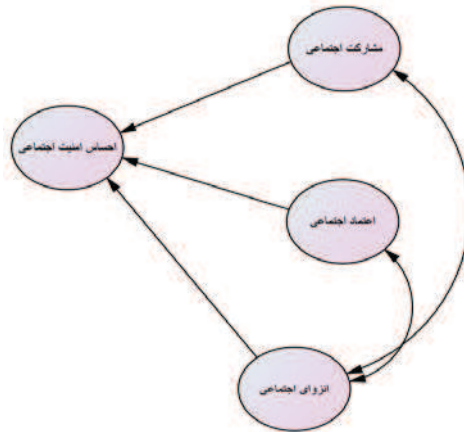
اعتماد اجتماعی:

اعتماد اجتماعی، مجموعه انتظارات است که در فرایند اجتماعی شدن یاد گرفته شده و افراد آن انتظارات را از افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که در جامعه هستند، دارند. برای عملیاتی کردن اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل، با مراجعه به تحقیقات پیشین، از جمله تحقیق افشانی و دیگران در یزد، در سه بعد اعتماد بین شخصی، نهادی و تعمیم‌یافته گویه سازی می‌شود. (مختاری و همکاران، ۱۳۹۱) اعتماد اجتماعی از مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی و از مؤلفه‌های حیاتی سرمایه اجتماعی و مهم‌ترین جنبه روابط انسانی است. بسیاری از متفکران اجتماعی، اعتماد را حسی می‌دانند که به تعاون و همکاری منجر می‌شود، لذا اعتماد ضمن اینکه فعالیت‌های داوطلبانه، نوآورانه و خلاق را برمی‌انگیزد، افراد را به تحرک در کارهای جمعی تشویق می‌کند. اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع باهم دیگر تبلور می‌یابد. اعتماد، احساس روابط اجتماعی است و رابطه مستقیم با میزان روابط اجتماعی دارد. بدین صورت که هر چه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی جامعه بیشتر باشد، به همان میزان روابط اجتماعی، از شدت تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است. (شاردی مناهجی، ۱۳۹۳: ۶۴)

انزوای اجتماعی:

زیمل در مقاله معروف خود به شناسایی آثار زندگی در شهر بر نحوه تفکر انسان‌ها پرداخته است. به نظر او در شهر نوعی نگرش دل‌زدگی پدیدار می‌شود که ناشی از محاسبه زمان و رشد اقتصاد پولی هست. وجود تقسیم‌کار تخصصی شده در شهرها، انسان‌ها را وامی‌دارد تا نقش‌های مختلفی را ایفا کنند. از نظر او در شهر هم تنهایی هست و هم آزادی. از نظر او شرایط روانی خاصی در شهرها حاکم هستند. (شارع پور، ۱۳۹۳)

مدل نظری تحقیق:



فرضیه‌های پژوهش

بر اساس اهداف و چارچوب نظری برای انجام پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر استخراج شده است:

. بین مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد.

. بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (بین شخصی / تعمیم یافته / نهادی) با احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

. بین انزوای اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

. بین انزوای اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد.

. بین انزوای اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق:

نوع روش تحقیق به لحاظ سنجش نگرش شهروندان به عوامل فرهنگی و آگاهی از میزان احساس امنیت آن‌ها از نوع کمی و به شیوه پیمایشی است. همچنین این پژوهش به لحاظ زمانی از نوع مقطعی می‌باشد. روش پژوهش از نوع پیمایش اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر دامغان می‌باشد. به منظور برآورد حجم نمونه، با مدنظر قرار دادن دو نوع تحلیل اصلی در پژوهش حاضر (تحلیل آماری مبتنی بر همبستگی و تحلیل رگرسیون) از نرم‌افزار SPSS Sample Power^۱ استفاده گردید. بنابراین حجم نمونه پژوهش در دو مرحله با مدنظر قرار دادن دو نوع تحلیل بالا برآورد شد:

تحلیل همبستگی: برای نمونه‌گیری در این پژوهش، از درصد خطا ۰/۰۵ و توان ۰/۹۶ و حجم اثر ۰/۱۵ استفاده شد. که با توجه به این موارد، حجم نمونه تعداد ۲۰۰ نفر برآورد گردید.

لذا به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از رایانه و نرم‌افزارهای SPSS برای آزمون فرضیه‌ها، نرم‌افزار AMOS برای مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار WORD برای تایپ گزارش نهایی استفاده شده است..

تعریف عملیاتی متغیر وابسته: (احساس امنیت)

تعریف عملیاتی: در این مطالعه، منظور از احساس امنیت اجتماعی، نمره‌ای است که آزمودنی در پرسشنامه احساس امنیت اجتماعی از مجموع ۱۰ گویه کسب می‌کند. این گویه‌ها در جدول زیر نمایش داده شده‌اند.

جدول شماره (۱) گویه‌های متغیر وابسته (احساس امنیت)

^۱ این نرم افزار با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار بر حجم نمونه در موقعیت‌های مختلف و متناسب با روش‌های آماری تحلیل داده حجم بهینه نمونه را برآورد می‌کند.

ردیف	گویه
	خرید و فروش مواد مخدر
	حضور معتادان علنی
	مصرف مشروبات الکلی
	خرید و فروش مشروبات الکلی
	ایجاد مزاحمت برای بانوان
	پوشش نامناسب و آرایش افراطی بانوان
	نزاع و درگیری خیابانی
	آلودگی صوتی (سروصدای موتورسیکلت - صدای ضبط خودروها)
	سرقت (منازل، اماکن، خودرو و ...)
	کیف‌قاپی

تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل:

اعتماد اجتماعی

تعریف عملیاتی: اعتماد اجتماعی در این پژوهش، در سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی موردسنجش قرار گرفت. جدول ذیل، گویه‌های مرتبط با هر یک از این ابعاد را نمایش می‌دهد.

جدول شماره (۲) گویه‌های مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی

ابعد	ردیف	گویه
بین شخصی		اکثر مردم قابل اعتمادند.
		دوستانم با من روراست و خودمانی هستند.
تعمیم یافته		میزان اعتماد به رانندگان تاکسی
		میزان اعتماد به مأموران نیروی انتظامی
		میزان اعتماد به بنگاه‌داران
		میزان اعتماد به عکاسان و فیلم‌برداران
		میزان اعتماد به روحانیون
		میزان اعتماد به قضات
		میزان اعتماد به معلمان
		میزان اعتماد به بازاریان
		میزان اعتماد به پزشکان
		میزان اعتماد به وکلا
نهادی		میزان اعتماد به کارمندان
		میزان صداقت و درستکاری
		میزان عمل به وعده‌ها
		میزان رعایت قانون به‌طور یکسان برای همه
		میزان احساس وظیفه و دلسوزی برای همه
		میزان تخصص و مهارت در کار

انزوای اجتماعی

تعریف عملیاتی: برای سنجش این متغیر، ۴ بعد شامل احساس رضایت از زندگی، امید به آینده، انزوای اجتماعی و احساس عزت‌نفس در نظر گرفته شد. گویه‌های مربوط به هر یک از ابعاد، در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول شماره (۴) گویه‌های مربوط به متغیر انزوای اجتماعی

ردیف	گویه
	در مجموع، این ایام، بهترین روزهای زندگی من است.
احساس رضایت از زندگی	چیزهای زیادی است که دوست داشتم در زندگی داشته باشم، اما ندارم.
	با خودم می‌گویم، «ای گاش به دنیا نمی‌آمدم.»
	در مجموع، تاکنون به خیلی از آرزوهایم دست یافته‌ام.
	احساس می‌کنم، آینده خوشی در انتظار من است.
امید به آینده	می‌توانم برای زندگی‌ام، هدف‌هایی تعیین کنم.
	احساس می‌کنم باز بچه دست حوادثم.
	کسی رادارم که می‌توانم نگرانی‌ها و ناراحتی‌هایم را با او در میان بگذارم.
	احساس می‌کنم که از دیگران منزوی شده‌ام.
انزوای اجتماعی	اغلب برای رسیدن به آرامش، از قرص‌هایی مانند فلوکستین استفاده می‌کنم.
	من آدم خجالتی هستم.
	احساس تنهایی می‌کنم.
	در جمع بودن برایم لذت‌بخش است.
	نسبت به خودم احساس مثبتی دارم.
احساس عزت‌نفس	رضایت من از خودم بسیار پایین است.
	نسبت به خودم احساس سودمند بودن دارم.
	به علایق خودم احترام می‌گذارم.

مشارکت اجتماعی

تعریف عملیاتی: این متغیر نیز با ۶ گویه برابر جدول زیر سنجیده شد.

جدول شماره (۳) گویه‌های مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی

ردیف	گویه
	من با نهادهای محله‌ای (پلیس، مدرسه و ...) همکاری دارم.
	در برنامه‌های جمعی محل، حضور دارم.
	از کمک مالی به برنامه‌های محلی دریغ ندارم.
	همیشه از اینکه بتوانم مسئولیت اجرایی در مراسم محلی داشته باشم، خوشحالم.
	حضور در انتخابات مختلف را وظیفه خود می‌دانم.
	همکاری و مشارکت داوطلبانه در رفع مشکل دیگران، امری انسانی است.

یافته‌های پژوهش:

الف) مشخصات فردی پاسخگویان:

جمعیت نمونه ما در مجموع ۲۰۰ نفر می‌باشد، که بیشترین فراوانی در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال بوده‌اند که ۳۱ درصد از پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. همچنین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آمارهای توصیفی، پاسخگویان به تفکیک جنسیت شامل: ۵۷ درصد زنان و ۴۳ درصد مردان بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۸۰.۵ درصد از پاسخگویان متأهل، ۱۶.۵ درصد مجرد، ۲.۵ درصد همسر فوت‌شده و درنهایت ۰.۵ مطلقه هستند. از نظر شاخص سطح تحصیلات، ۴۶ درصد از پاسخگویان تا دیپلم، ۲۱ درصد تا لیسانس، ۱۱.۵ درصد تا ابتدایی، ۹.۵ درصد تا فوق‌دیپلم، ۴.۵ درصد بی‌سواد، ۲.۵ درصد تا سیکل و درنهایت ۰.۵ تا مقطع دکتری هستند. همچنین پاسخگویان ما از نظر اشتغال؛ ۲۶ درصد خانه‌دار، ۰.۱۸ درصد کارمند و ۰.۴۴ درصد سایر مشاغل هستند.

ب) توصیف یافته‌ها:

در این بخش یافته‌های مربوط به هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق، شامل: انزوای اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی و همچنین احساس امنیت اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق ارائه گردیده است.

جدول شماره (۵) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مشارکت اجتماعی

موارد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کاملاً مخالفم	۴	۲.۰	۲.۰
مخالفم	۲۷	۱۳.۵	۱۳.۵
بینابین	۵۱	۲۵.۵	۲۵.۵
موافقم	۴۸	۲۴.۰	۲۴.۰
کاملاً موافقم	۷۰	۳۵.۰	۳۵.۰
جمع	۲۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

جدول شماره (۶): توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب اعتماد اجتماعی

موارد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کاملاً مخالفم	۴	۲.۰	۲.۰
مخالفم	۷	۳.۵	۳.۵
بینابین	۴۷	۲۳.۵	۲۳.۵
موافقم	۳۲	۱۶.۰	۱۶.۰
کاملاً موافقم	۱۱۰	۵۵.۰	۵۵.۰
جمع	۲۰۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰

جدول شماره (۷): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب انزوای اجتماعی

مورد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کاملاً مخالفم	۴۶	۲۳.۰	۲۳.۰
مخالفم	۳۶	۱۸.۰	۱۸.۰
بینابین	۳۱	۱۵.۵	۱۵.۵
موافقم	۳۲	۱۶.۰	۱۶.۰
کاملاً موافقم	۵۵	۲۷.۵	۲۷.۵
جمع	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰

پ) تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

در این بخش، با استفاده از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر، میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انزوای اجتماعی بر میزان احساس امنیت اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

رگرسیون چند متغیره:

در این بخش با استفاده از رگرسیون چند متغیره، میزان رابطه هر یک از متغیرهای مستقل یا میزان احساس امنیت اجتماعی در بین پاسخگویان نشان داده شده است.

جدول شمار (۸): خلاصه تحلیل رگرسیون مربوط به پیش‌بینی امنیت اجتماعی بر اساس متغیرهای مستقل به همراه متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی

پیش‌بینی کننده‌ها	ضریب غیراستاندارد	خطای معیار برآورد	ضریب استاندارد	β	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۹۹.۲۳۷	۳.۳۶۱		۲۹.۵۲۸	۰.۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰.۳۲۵	۰.۱۰۰	۰.۱۳۹	۳.۳۶۱	۰.۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۱.۰۰۲	۰.۱۰۸	۰.۴۱۲	۹.۳۰۱	۰.۰۰۰
انزوای اجتماعی	-۰.۲۵۳	۰.۳۸	-۰.۲۸	-۶.۷۲۱	۰.۰۰۰

$$R=0.60 \quad R^2=0.36 \quad \text{Adjusted R square} = 0.36$$

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که بین متغیرهای ۳ گانه تحقیق و احساس امنیت اجتماعی همبستگی معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها با عدد ۰.۶۰ نشان داده شده است و بیان می‌دارد که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین (R^2) استاندارد شده که برابر با ۰.۳۶ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۳۸ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی شهروندان دامغانی وابسته به متغیرهای مستقل ذکر شده در این معادله می‌باشد. به عبارت دیگر تغییرهای مستقل ذکر شده در معادله به میزان ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌نماید. اطلاعات جدول فوق حاکی از آن است که بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. یعنی به هر میزان تغییر در متغیر مستقل مشارکت اجتماعی، متغیر احساس امنیت اجتماعی به میزان ۰.۱۳ افزایش می‌یابد. همچنین با هر واحد تغییر در متغیر مستقل اعتماد اجتماعی، متغیر احساس امنیت اجتماعی به میزان ۰.۴۱ افزایش می‌یابد. اما در مورد متغیر انزوای اجتماعی دقیقه رابطه معکوس وجود دارد بدین معنا که با هر واحد تغییر در متغیر مستقل انزوای اجتماعی، متغیر احساس امنیت اجتماعی به میزان ۰.۲۸ درصد کاهش می‌یابد. در واحد با افزایش میزان انزوای اجتماعی، میزان احساس امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد. اما در مقابل آن هر چه میزان مشارکت و اعتماد اجتماعی افزایش یابد، میزان احساس امنیت اجتماعی هم افزایش پیدا می‌کند.

تحلیل مسیر:

تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چند متغیره می‌باشد که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته، اثرات غیرمستقیم این متغیرها را نیز مدنظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت موجود، در تحلیل وارد می‌کند. تکنیک تحلیل مسیر بر پایه مجموعه‌ای از تحلیل رگرسیون چندگانه و بر اساس فرض ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته استوار است. این روش بر استفاده ابتکاری از نمودار تصویری که به دیاگرام مسیر معروف است تأکید خاص دارد (کلانتری، ۱۳۸۴: ۲۲۳). به عبارت دیگر برای بیان چگونگی آرایش متغیرها در مد و بیان اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای وارد شده در مدل بر روی متغیر وابسته تحقیق از تحلیل مسیر استفاده می‌گردد (نیازی، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

جدول شماره (۹): محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان شهرستان دامغان

کل	ضرایب اثر		نام متغیر
	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
۰.۱۳۹	—	۰.۱۳۹	مشارکت اجتماعی
۰.۴۶۹	۰.۰۵۷	۰.۴۱۲	اعتماد اجتماعی
۰.۷۷۲	۰.۴۹۲	۰.۲۸	انزوای اجتماعی

جدول فوق نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مستقل به لحاظ اثرگذاری بر متغیر احساس امنیت اجتماعی تأثیر مثبت دارند. تأثیر هر متغیر نیز به صورت اثر مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته می‌باشد. بر اثرگذاری کل، متغیر اعتماد اجتماعی دارای بیشترین اثر بر احساس امنیت پاسخگویان است (۰.۴۶)، به طوری که این متغیر دارای ۴۱ درصد اثر مستقیم و ۰.۰۵۷ اثر غیرمستقیم است. متغیر انزوای اجتماعی دارای رتبه دوم ۲۱ درصد تأثیر کل می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

با مروری بر تاریخ زندگی انسان و جوامع انسانی درمی‌یابیم که امنیت همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین مسائل حیاتی بشر مطرح بوده است. در واقع، امنیت از ضروری‌ترین نیازهای انسان محسوب گردیده و بدون آن زندگی اجتماعی مختل می‌گردد. در این میان، احساس امنیت و برخورداری از آسودگی و آرامش و دوری از تشویش خاطر، نقش اساسی در کاهش و افزایش جمعیت در جامعه ایفا می‌کند. با توجه به اهمیت و پیچیدگی پدیده امنیت اجتماعی، بسیاری از عناصر و مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه در امنیت اجتماعی مؤثر بوده و متقابلاً از آن تأثیر می‌پذیرند. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۷)

حکومت‌ها و دولت‌ها مهم‌ترین ارگان جهت برقراری امنیت اجتماعی جامعه و افراد درون آن هستند. امروزه دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین قدرت سیاسی نه‌تنها به امنیت اجتماعی شهروندان توجه بسیاری دارند، بلکه برای آنان ارزیابی میزان احساس امنیت اجتماعی هم مهم شده و دستور بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی را در سطح کل کشور به سازمان‌های مربوطه ابلاغ کرده‌اند. مهم‌ترین هدف آن‌ها تلاش برای حفظ همه‌جانبه امنیت و احساس امنیت اجتماعی شهروندان است. در این‌بین نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ترجمان‌های برقرارکننده نظم اجتماعی، اهمیت بسیاری به ارزیابی میزان احساس امنیت اجتماعی داده و در پی آن بوده تا با اجرای طرح‌های پژوهشی در این مورد و نظرخواهی از مردم میزان احساس امنیت اجتماعی را بیش‌ازپیش افزایش بدهد و شهروندان را در کمال آرامش و آسایش قرارداد تا آن‌ها بتوانند با آرامش خیال به خودشکوفایی فردی، توسعه همه‌جانبه در بخش‌های خصوصی و دولتی و پیشرفت‌های روزافزون جهت بهبود هرچه بهتر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور عزیزمان جمهوری اسلامی ایران بپردازند. اما دولت و ترجمان‌های دولتی به‌عنوان گوش‌های شنوای صدای مردم هستند، که در تصمیم‌گیری‌های خود نظر ملت را در ارجحیت قرارداد و با سنجیدن آراء آنان، تصمیمات خود را به منصفانه ظهور می‌گذارند.

در این تحقیق بر آن بودیم تا به بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در سطح شهرستان دامغان بپردازیم. متغیرهای مستقل ما شامل: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انزوای اجتماعی می‌باشند.

بر اساس نتایج این تحقیق که در بخش یافته‌ها به صورت کامل به آن پرداخته شد، در مجموع

۳۶ درصد از تغییرات مربوط به متغیر احساس امنیت اجتماعی به‌وسیله متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انزوای اجتماعی سنجیده شده است و به عبارتی ما با استفاده از این ۳ متغیر توانسته‌ایم ۳۶ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت را پیش‌بینی کنیم. در همین راستا همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد می‌توان نتیجه گرفت؛ مشارکت شهروندان در امور گروه یا جامعه می‌تواند منجر به افزایش احساس تعلق و همبستگی به گروه یا جامعه شود زیرا زمانی که افراد تماس‌های بیشتر و گسترده‌تری با یکدیگر داشته باشند دل‌مشغولی‌ها و منافع مشترک و پیوندهای عاطفی آن‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و احساس تعلق ناشی از این پیوندها باعث می‌شود آن‌ها از خودشان برای گروه یا جامعه مایه بگذارند. همچنین با ارتقاء اعتماد اجتماعی می‌توان بر احساس امنیت افزود. با توجه به همبستگی نسبتاً قوی میان اعتماد نهادی و احساس امنیت، می‌توان با بهبود عملکرد نهادها و جلوگیری از جرائم نرم‌افزاری درون سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌هایی که متولی برقراری نظم اجتماعی هستند، همچنین با کار فرهنگی - تربیتی در زمینه افزایش اعتماد تعمیم‌یافته، به افزایش احساس امنیت به‌عنوان یکی از شاخص‌های اساسی رفاه اجتماعی و توسعه یاری رساند.

پیشنهادات پژوهشی:

از آنجایی که انتقال ارزش‌های اجتماعی توسط خانواده، نهادهای آموزشی و رسانه‌های جمعی صورت می‌پذیرد، باید از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم ارزش مشارکت افراد در تأمین امنیت جامعه مطرح شود.

۱- پیشنهاد می‌شود رسانه‌های جمعی با نظارت نهادهای مربوطه برنامه‌هایی را مبنی بر افزایش میزان نشاط اجتماعی و امید به آینده را تدوین کنند و آموزش‌هایی جهت یادگیری ساختن زندگی بهتر و بالا بردن سطح رضایت از زندگی افراد ارائه شود.

۲- در بیشتر پژوهش‌ها (و در این پژوهش نیز هم) تأکید بر آن است که میزان احساس امنیت اجتماعی زنان از مردان کمتر است. پیشنهاد می‌شود که برای افزایش ضریب احساس امنیت زنان، نیروهای امنیتی پلیس در شهر و اطراف آن، هرچه بیشتر درصدد رفع زمینه‌های ترس زنان در شهر برآیند. همچنین آگاهی‌های لازم به زنان جهت مقابله با شرایطی که امنیت آنان را تهدید می‌کند، داده شود.

۳- جلوگیری از پخش شایعات، حوادث و اخباری که باعث تشویش اذهان و افزایش اضطراب و ناامنی خاطر مردم می‌گردد.

۴- ایجاد و گسترش نهادهای مدنی به منظور افزایش زمینه‌های مشارکتی مردمی و افزایش احساس امنیت اجتماعی شهروندان.

۵- تلاش برای تفهیم اهمیت سرمایه اجتماعی در مقابل سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی در برنامه‌ریزی‌ها

منابع:

* احمدی، حبیب؛ سروش، مریم و افراسیابی، حسین (۱۳۸۸). ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۴)، شماره ۲، ص ۶۵.

* احمدی، حبیب، عربی، علی و حکیمی‌نیا، بهزاد (۱۳۹۲). بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و ترس از جرم (مورد مطالعه: شهر کرج). مطالعات جامعه‌شناختی شهری. سال سوم، شماره هفتم، ص ۱.

* احمدی، حبیب (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.

* احمدی، حبیب و نیکپور قنواتی، لیلا (۱۳۸۴) کاربرد روش‌های کیفی در مطالعه انحرافات اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دوم، شماره اول.

* افشار نادری، افسر (۱۳۸۹). امنیت اجتماعی فرهنگی و ارائه الگوی ارتقای آن در شهر تهران. رساله دکتری مدیریت امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

* بحری‌پور، عباس (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی. معاونت اجتماعی ناجا و بنیاد نخبگان نیروهای مسلح.

* بیات، بهرام (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی. رساله دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه اصفهان.

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر میزان احساس امنیت اجتماعی ————— ۱۳۳

*بوزان، باری، (۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها و هراس، چاپ اول، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

*بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶) چارچوبی تازه بر تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

*بیبی، ازل (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

*بیدل، پریناز (۱۳۹۵)، «رابطه اعتماد اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هشتم، شماره اول، صص ۵۹ تا ۸۸

*پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.

*توسلی، غلام‌عباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴) مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره بیست و ششم، ۱-۳۲.

*حسنوند، اسماعیل (۱۳۹۰) بررسی ارتباط اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در سطوح روستا، شهر و داده‌های جهانی (پیمایش شهرستان سلسله و تحلیل ثانویه داده‌های جهانی)، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

*خواجه نوری، بیژن و کاوه، مهدی (۱۳۹۲). مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، سال دوم، شماره ۲، ص ۵۷.

*دواس، دی‌ای (۱۳۸۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائبی، نشر نی، تهران.

*دیانت، سعیده، (۱۳۹۱)، «بررسی احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، دکتر علی گلی، دانشگاه شیراز

*رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸) «آنومی یا آشفتگی اجتماعی» انتشارات سروش

* رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵). کند و کاوها و پنداشتها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.

*ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، «درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی»، تهران، کیهان

*ساروخانی، باقر؛ هاشم نژاد، فاطمه (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دوم.

*سیف‌الدینی، فرانک؛ عیوضلو، داوود؛ جهانبخش، ریکا (۱۳۹۲)، «سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت»، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره اول، صص ۸۹ تا ۱۱۲.

*Putnam, R. D. (۱۹۹۶) Who killed civic America? Prospect, March, Pp. ۶۶-۷۲.

*Putnam, R. D. (۲۰۰۰) Bowling alone: the collapse and revival of American community, New York: Simon and Schuster.

* Turner, J.H. (۱۹۹۸). The structure of sociological theory, New – York, wades worth publishing company.

*Stones, R. (۱۹۹۸). Key Sociological thinkers. London.Macmilian press.theodorson, G.A. & theodorson, A.G.۱۹۶۹.Modern dictionary of sociology New-York, crowell..